

سازمان‌های مردم‌نهاد و مبارزه با بی‌کیفری در سرزمین‌های اشغالی

دکتر اسعد اردلان*

چکیده

بی‌کیفری در حقوق بین‌الملل به معنای معاف شدن از مجازات در ارتکاب نقض حقوق بشر است. سهل‌انگاری در بی‌کیفری موجب نگرانی عمیق سازمان‌های مردم‌نهاد در عرصه جهانی شده و آنها را وادار به تلاش برای به کیفر رساندن ناقضان حقوق بشر نموده است. از این رو بسیاری از سازمان‌های مردم‌نهاد در جهان توجه ویژه‌ای به محاکمه کشیدن ناقضان حقوق بشر مبذول نموده و تلاش می‌کنند دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی را وادار به تعقیب و پی‌گیری مرتکبان، بدون توجه به جایگاه سیاسی این افراد نمایند. این نگرانی‌ها و کوشش‌ها به تشکیل ائتلاف‌های بین‌المللی تحت قواعد حقوق بین‌الملل نیز منجر شده است.

در مورد بی‌کیفری نسبت به نقض حقوق فلسطینیان در سرزمین‌های اشغالی نیز سمن‌ها به دو شیوه وارد کارزار شده‌اند: نخست تهیه گزارش‌های مستند از نقض تعهدات بین‌المللی اسرائیل در قبال فلسطینیان به مانند تخریب اقامتگاه‌ها، اسکان اجباری، تصرف زمین‌ها و خشونت نسبت به ساکنان سرزمین‌های اشغالی، و سپس؛ ارائه کمک‌های رایگان حقوقی و مشاوره‌ای برای دفاع از حقوق انسانی آنها. محاصره غزه نیز به عنوان یکی از اقدامات مغایر با حقوق بشر، با تلاش‌های هماهنگ فعالان غیر دولتی و کمک‌رسانی آنها موجب شناسایی هر چه بیشتر بحران غزه در جهان گردید. این نوشتار نگاهی دارد به نقش و ارزیابی تأثیرگذاری فعالیت سمن‌ها در اطلاع‌رسانی جهانی نسبت به بی‌کیفری مقامات و سازمان‌های ناقض حقوق انسانی ساکنان سرزمین‌های اشغالی.

کلید واژگان: بی‌کیفری، حقوق بشر، سازمان‌های مردم‌نهاد، سرزمین‌های اشغالی، فلسطینیان.

کلید واژگان: سازمان‌های مردم‌نهاد، سرزمین‌های اشغالی، مبارزه، کیفر

*. دکتر اسعد اردلان، استاد مدعو حقوق و روابط بین‌الملل در دانشگاه کردستان است.

سازمان‌های مردم‌نهاد و مبارزه با بی‌کیفیری در سرزمین‌های اشغالی

اسعد اردلان*

دیباچه

بحران اشغال سرزمین فلسطین که با اعلامیه جیمز بالفور وزیرخارجه بریتانیا در دوم نوامبر ۱۹۱۷ آغاز شد یک سده را به پایان رسانده است. با این وجود مسائل مهم بین‌المللی از نظر جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد به مانند پایان دادن به اختلافات میان کشورهای درگیر در مناقشات، و بازسازی اروپا و مسئله مستعمرات مانع از آن شد که توجه ویژه به این امر جلب و راه حلی منصفانه و مسالمت‌آمیز برای آن یافت شود. اما هنگامی که در ۱۹۴۷ کمیته مخصوص سازمان ملل برای فلسطین (UNSCOP) طرح تقسیم سرزمین فلسطین میان عرب‌ها و یهودیان را به اجرا گذارد، دور از تصور نبود که رای به غصب یک سرزمین و تاسیس یک دولت بدون داشتن عناصر حقوقی لازم، برای مدت‌ها

*. دکتر اسعد اردلان، استاد مدعو حقوق و روابط بین‌الملل در دانشگاه کردستان است.

Aardalan 780 @ gmail.com

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ) سال چهاردهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۰ - ۱

به یکی از مسائل مهم جهان تبدیل شود. اختلافات در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ شتاب گرفت و کشور تحمیلی، سرزمین‌های دیگری را در جنگ‌های حمایتی تصرف کرد و مردمان بومی را آواره جهان ساخت. در واقع اراده دولت یهود بر این قرار گرفت که پایان آواره گی این قوم را با آواره کردن قومی دیگر جبران نماید. از این دوران بود که توجه جامعه جهانی به این موجود سیاسی نا متعارف معطوف گشت. حقوق مردم فلسطین در دوران جنگ سرد نیز چون بسیاری دیگر از مسائل ملت‌ها قربانی رقابت ابرقدرت‌های زمان شد و چون میراثی لاینحل به آیندگان منتقل شد. از ۱۹۴۸ تا کنون ۸۸ قطعنامه در شورای امنیت، تعداد فراوانی در مجمع عمومی ملل متحد، و ۴۵ قطعنامه در شورای حقوق بشر در مورد اسرائیل و فلسطین صادر شده است که اغلب آن‌ها در مورد برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین بوده و بسیاری نیز اسرائیل را به نقض حقوق بشر، کنوانسیون‌های ۴ گانه ژنو، و سایر قواعد شناخته شده بین‌المللی متهم کرده‌اند. از میان قطعنامه‌های شورای امنیت تا زمان حال ۶۷ قطعنامه توسط اسرائیل نقض شده است. با وجودی که معمولاً ایالات متحده و هم پیمانان غربی‌اش را مانعی برای احقاق حقوق بین‌المللی مردم فلسطین می‌شناسند، اما واقعیت این است که به استثنای معدودی، سایر کشورهای جهان و از جمله عرب‌ها نیز که بسیار به حمایت از ناسیونالیسم و منافع جبهه عربی خود را پایبند نشان داده‌اند، در سال‌های اخیر اهتمام چندانی به کمک به فلسطینیان برای دست یابی به حقوق اولیه انسانی و سیاسی ننموده‌اند. از این رو این نوشته نا امید از حمایت موثر دولت‌ها، بر نقش سازمان‌های غیر دولتی برای اطلاع رسانی در مورد مسئله فلسطین و امداد رسانی به مردم در اوج بحران‌ها تاکید دارد و امیدوار است فشار این سازمان‌ها بر افکار عمومی و دولت‌ها بتواند اندکی از دردهای مردم را در راه مبارزاتشان برای احقاق حقوق خود التیام بخشند. یکی از موضوعاتی که سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند بحث فلسطین و تضييع سيستماتيك حقوق آنان را در نزد افکار عمومی و مباحث تخصصی نیز برجسته سازند، توسعه ادبیات مربوط به بی‌کیفرماندن مجرمان و تبعات ناگوارتر آن بر صلح و امنیت بین‌المللی است. این مهم در دورانی که دیوان کیفری بین‌المللی در تلاش است تا با رسیدگی به جنایاتی که در صلاحیت دیوان است به رویه خطرناک بی‌کیفری پایان دهد، حائز کمال اهمیت است.

مفهوم بی‌کیفری در حقوق بین‌الملل

اصلی پذیرفته شده در حقوق همه ملتهاست که؛ "هر عملی که حاکی از شروع به اجرا، و مبین اراده ارتکاب جرم باشد، سزاوار کیفر است". (سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی ص ۶۴ نشر میزان ۱۳۸۹) این اصل افزون بر این که به جهت مادی مرتکبان جرایم را بی‌کیفر نمی‌گذارد، به جهت روانی نیز از وقوع جرایم بیشتر و یا هولناکتر پیشگیری می‌نماید. اما در جهت مخالف این رویه در پاره‌ای از رژیم‌های حقوق داخلی از دیرباز به شرکای جرمی که همدستان خود را معرفی نمایند، وعده بخشودگی و یاسبک کردن کیفر می‌دهند. کاهش کیفر و رهانیدن مجرم از مجازات‌های سنگین ممکن است به شکل‌های مختلف در حقوق داخلی به مانند، عفو، مرور زمان و در حقوق بین‌الملل مثل مصونیت شخصی و یا کاری از تعقیب و بازداشت، خود را نشان دهند. اما قاعده کلی در حقوق بین‌الملل این است که ارتکاب هر جرمی کیفر متناسب خود را خواهد داشت و هیچ عذری برای بی‌کیفری پذیرفته نخواهد بود، با این استدلال که اگر نظام عدالت کیفری وجود نداشته باشد میزان ارتکاب جرم افزایش خواهد یافت.

بی‌کیفری یا بی‌کیفرمانی ترجمه پارسی واژه *Impunity* انگلیسی و برگرفته از ریشه لاتین *Impunitate* است و در لغت مترادف با بخشایش، تبرئه (*absolution*) بخشودگی، معافیت (*dispensation*) عفو، امان (*amnesty*)، تبرئه، برائت از اتهام (*acquittal*) می‌باشد و در مفهوم حقوقی عبارت از؛ معافیت از دادرسی (*exemption from judgment*) و به معنای گریختن و یا معاف شدن از مجازات است.

به تعبیر یکی از قضات دیوان بین‌المللی دادگستری؛ هسته موضوع بی‌کیفری در جایی است که مقامات یک دولت مایل یا قادر به تحقیق یا تعقیب نباشند، آن‌جا جرم یا جنایت بدون مجازات می‌ماند.

(ICJ, Case Concerning the Arrest Warrant of 11 April 2000. Congo v. Belgium 14 feb.2002)

از منظر حقوق بشر بدین معناست که؛ "عاملان نقض حقوق بشر از هرگونه تحقیق و تعقیب، دستگیری و محاکمه بگریزند و به مجازات متناسب با رفتار غیر انسانی خود

نرسند" (جمشید ممتاز، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی‌کیفری، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل تهران ۱۳۸۵ پیش‌گفتار ص ۱۱)

و در حقوق بین‌الملل؛ "به مفهوم مصون ماندن شخص ناقض قوانین کیفری از تحمل ضمانت اجرای پیش‌بینی شده برای آن عمل است". (علی‌آزمایش، مجموعه مقالات بی‌کیفری، همان. ص ۱۹).

حمایت حقوق بین‌الملل از پایان دادن به بی‌کیفری

در اساسنامه دادگاه‌های رسیدگی به جنایات جنگی پس از جنگ دوم از جمله در دادگاه‌های نورمبرگ و توکیو و متعاقب آن‌ها در دهه ۱۹۹۰ دادگاه‌های ویژه، بر این امر تاکید شده است که استناد به مصونیت رسمی متهمان در هر مقامی که بوده باشند دلیلی برای گریز از مسئولیت و تخفیف مجازات نمی‌باشد. در دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است که، "..... فجیع‌ترین جنایاتی که جامعه بین‌المللی را نگران می‌سازد، نباید بدون مجازات بماند و این هنگامی محقق می‌شود که تعقیب موثر مرتکبین آن جنایات با اتخاذ تدابیری در سطح ملی و نیز تقویت همکاری‌های بین‌المللی تامین گردد" و در ادامه تصمیم دادگاه را مبنی بر این که؛ ".... به مصونیت مرتکبین این جنایات و فرار آن‌ها از مجازات پایان دهد"، اعلام می‌دارد. در یک درک وسیع‌تر از تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی و سایر دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جنایات بین‌المللی می‌توان گفت اهتمام جامعه جهانی همکاری در جهت پایان بخشیدن به بی‌کیفری بوده است.

در سال‌های اخیر تلاش شده است مبارزه با بی‌کیفری از طریق استقرار حکومت قانون و در پرتو اصول حقوق بشر، توسعه‌ای همه‌جانبه یابد. هم‌زمان با تشدید بحث‌های مربوط به توسعه در ۲۰۱۱، سازمان ملل توجه بیشتری به حقوق بشر و حکومت قانون مبذول داشته است. در مجمع عمومی سال ۲۰۱۲ نیز رهبران حاضر در اجلاس در مورد حکومت قانون بحث کردند و در پی آن در اعلامیه حکومت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی که در ۲۴ سپتامبر به تصویب رسید، اعضای سازمان تعهد خود را به احترام به حکومت قانون و اهمیت بنیادی آن برای گفت و گو و همکاری سیاسی میان کشورها برای ترویج بیشتر سه

اصل مهم ملل متحد یعنی؛ صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق بشر و حق توسعه مورد تأکید مجدد قرار دادند. آن‌ها همچنین اصل حکمرانی مطلوب و تعهد به ارائه خدمات موثر، عادلانه، بدون تبعیض و منصفانه را که از موجبات حکومت قانون است و از طریق اجرای عدالت کیفری، مدنی و اداری محقق می‌گردد، مجدداً مورد حمایت قرار دادند و اهمیت حکومت قانون را در محافظت از حقوق زنان و کودکان در برابر تبعیض، خشونت، بدرفتاری و بهره‌کشی یادآوری نمودند. نقش دیوان کیفری بین‌المللی که هدف آن پایان دادن به بی‌کیفری و برقرار کردن حکومت قانون است را به رسمیت شناختند و متعهد شدند که اطمینان دهند که بی‌کیفری هیچ مدارایی نسبت به نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت، و نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و نقض فاحش حقوق بشر روا نخواهد داشت و چنین تخلف‌هایی بررسی و مشمول مجازات مناسب خواهند شد. (A/RES/67/1)

در میان کارگزاری‌های ملل متحد کمیساریای عالی حقوق بشر OHCHR، نقش رهبری در حمایت از شرایط مثبتی که برای احترام به حکومت قانون ایجاد شده بود به ویژه به مبارزه با بی‌کیفری و استحکام بخشیدن به پاسخگویی *strengthening accountability* ایفا کرد. به همین منظور گفت و گو با دولت‌ها برای دستیابی به حمایت قانونی از حقوق بشر و مسئولیت در برابر نقض حقوق را ادامه داد.

(*Impunity and the Rule of Law*,

www2.ohchr.org/English/ohchrreport2012/web_enallegati/4_impunity.pdf)

سازمان‌های مردم‌نهاد در روابط بین‌الملل

سازمان غیر دولتی به سازمان‌هایی اطلاق می‌گردد که توسط گروهی از اشخاص حقیقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه با رعایت مقررات تاسیس شده و فعالیت آن‌ها غیر انتفاعی، عام‌المنفعه، انسان‌دوستانه، غیر حکومتی و غیر سیاسی باشد. (متن پیش‌نویس *قانون ناظر بر فعالیت سازمان‌های غیر دولتی* ۱۳۸۵)

اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل (DPI) آن‌ها را سازمان‌های غیر وابسته به دولت و داوطلبانه‌ای می‌داند که در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی فعالیت دارند و افرادی با علائق

مشترک مدیریت آن را بر عهده دارند که فعالیت‌های آنها در زمینه‌های خدمات انسان دوستانه، جلب توجه مردم به کردار حکومت‌ها و نظارت بر سیاست‌های دولت و تشویق به مشارکت سیاسی در امور بین‌الملل می‌باشد. این سازمان‌ها با ارائه نظرات کارشناسی و تحلیل وقایع نقش هشدار دهنده را نیز بازی می‌کنند. (<http://www.un.org/dpi/ngo>)

ماهیت فعالیت این سازمان‌ها به گونه ایست که در تمام حوزه‌های اجتماعی می‌توانند تاثیرگذار باشند. یکی از وجوه برجسته سازمان‌های غیر دولتی این است که به دلیل ویژگی‌ها آن که به دنبال کسب منفعت شخصی نیستند، معمولاً از رقابت ناسالم برای سرآوری در سلسله مراتب سازمانی بدورند و جایگاه افراد در آنها به عواملی مثل آشنایی به حوزه فعالیت و میزان علاقه‌مندی و مشارکت و گاهی هم مرتبت اجتماعی بستگی دارد. با این ویژگی‌ها می‌توان دمکراتیک‌ترین شیوه انتخابات را نیز در آنها یافت. از این رو سمن‌ها می‌توانند کارگاه‌هایی برای یادگیری اصول و روش‌های همکاری و دموکراسی باشند. این نهادها اغلب از سه مشخصه‌ای که برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای لازمند به مانند اعتماد، مشارکت و انسجام نیز برخوردارند.

فعالیت NGOها علنی است، از این رو به جهت شکلی نیز وجود و گسترش آنها بستگی به ظرفیت‌های قانونی کشورها دارد. سمن‌ها و سایر نهادهای مدنی در نظام‌های دیکتاتوری و سیاسی بسته، که همه امور در اختیار و از شروط اقتدار دولت است یا حضور ندارند، و یا در صورت وجود نمادین آنها، چنان در تحت امر و نظارت و مهار دولت‌ها هستند که اثر مثبتی از فعالیت آنها در راستای وظائفشان نمودار نیست به همین جهت شمار و دامنه کنش آنان بستگی به توسعه سیاسی و اجتماعی در یک کشور دارد.

جایگاه NGOs در جامعه بین‌الملل

اگرچه قدمت تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی ملی و بین‌المللی به قرن نوزدهم بر می‌گردد و مشخصاً بروی مسائلی مثل بردگی، صلح و کار متمرکز بودند و جایگاه شناخته شده‌ای در سرزمین‌های حوزه فعالیت خود داشتند، اما پایان جنگ سرد بود که فرصتی پیش‌آورد تا هم تعداد آنها افزایش چشم‌گیری یابد و هم بر تحولات حقوق بین‌الملل

تاثیر قابل ملاحظه و رو به پیشرفتی بگذارند و دامنه فعالیت‌های خود را به دورترین نقاط جهان و موضوعات متنوع گسترش دهند.

(. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: محمود رضا گلشن پژوه، راهنمای سازمان‌های غیر دولتی. موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران ۱۳۸۵)

با وجودی که سمن‌ها در دهه ۱۹۳۰ در کنفرانس‌های خلع سلاح جامعه ملل مشارکت داشته‌اند، اما نام و اهمیت نقش سازمان‌های مردم نهاد در عرصه جهانی نخستین بار در یک سند بین‌المللی و در ماده ۷۱ منشور ملل متحد، آن جا که به شورای اقتصادی و اجتماعی امکان داده است برای اتخاذ تدابیر مناسب در چارچوب صلاحیت‌های شورا با سازمان‌های غیر دولتی مشورت نماید، آمده است. بر این مبنای منشور موقعیت این نهادها را تا حدی که باید فرصتی برای بیان نظرات خود در شورا داشته باشند، به رسمیت شناخته است. آن‌ها می‌توانند که تجارب ویژه و یا دانش فنی مربوط به تخصص خود را در اختیار شورا قرار دهند. به موجب قطعنامه شماره E/1996/31 سازمان‌هایی که می‌خواهند در موضوعات خاص با شورا مشورت نمایند می‌توانند از موقعیت مقام مشورتی شورا برخوردار شوند.

(<http://www.ngocongo.org/membership/ecosoc-and-ngo-consultative-status>)

این اهمیت سالها بعد در ۱۹۹۹ نیز مورد حمایت سازمان دولت‌های آمریکایی نیز قرار گرفت و دستور العملی برای مشارکت سمن‌ها در فعالیت‌های سازمان به تصویب رساند. سند اجرایی اتحادیه آفریقا نیز مجوز تاسیس شورای مشورتی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متشکل از گروه‌های اجتماعی و حرفه‌ای کشورهای عضو را داده است. پس از سال‌ها ایجاد این امکانات توسط سازمان‌های بین‌المللی موجبات تاثیرگذاری و مشارکت سمن‌ها را در روند تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی فراهم کرد. در سال ۲۰۰۴ شورای امنیت نیز در مشورت مستقیم با سمن‌ها در مورد نقش جامعه‌های مدنی در استقرار صلح قرار گرفت. در سازمان تجارت جهانی نیز موقعیت مشورتی برای سمن‌ها ایجاد شد.

(<http://www.peacepalacelibrary.nl/2010/.../the-influence-of-ngos-on-international-law>)

رشد سازمان‌های غیر دولتی از دهه ۱۹۷۰ بر مشارکت و نفوذ آن‌ها در نهادهای حقوقی بین‌المللی افزود. صلح سبز و عفو بین‌الملل در کنفرانس‌های بین‌المللی شرکت داشتند و بر

توافقات تاثیرگذار بودند و نتیجه کارکردشان را به اطلاع عموم می‌رساندند. برای اهمیت NGOs حداقل چهار دلیل می‌توان ذکر کرد؛ ۱) آن‌ها گزارش‌های کارشناسی فنی ارزشمندی در حوزه‌های مهم و پیچیده‌ای به مانند تغییرات اقلیمی و کمک‌های بشردوستانه تهیه می‌کنند. ۲) توجه افکار عمومی را به مسائلی جلب می‌کنند که دولت‌ها از آن‌ها بی‌خبرند. برای مثال NGOs بین‌المللی در تدوین پیمان منع استفاده از مین‌های ضد نفر از طریق اطلاع‌رسانی گسترده بسیار موثر و راه‌گشا بودند. ۳) از طریق برگزاری سمینارها، کارگاه‌ها و تدوین خط‌مشی‌ها، عملکرد آموزشی موفق‌تری دارند. ۴) دعاوی حقوقی قربانیان را به کمیسیون‌ها و دادگاه‌ها می‌برند و فرایند رسیدگی را پی‌گیری می‌کنند.

(digitalcommons.lmu.edu.....)

در حقیقت می‌توان گفت گسترش دامنه فعالیت‌های بین‌المللی سمن‌ها بویژه در دو دهه گذشته، آن‌ها را به جزء لاینفکی در روند رسیدن به حکمرانی جهانی تبدیل کرده است. اعتراض‌های آن‌ها بر ضد جهانی شدن در سیاتل؛ گوتنبرگ، داووس، جنوا، و سایر نقاط نشان‌دهنده ظرفیت سمن‌ها برای تاثیرگذاری بر مراحل مختلف مذاکرات و تصمیم‌گیری بین‌المللی است. این اعتراض‌ها روشن ساخت که ظرفیت و قابلیت سمن‌ها برای بسیج و رسانه‌ای کردن موضوعات در مدتی کوتاه در ورای مرزها تاچه اندازه‌ای است. اما باید آگاه بود که همیشه سمن‌ها مخالف برنامه‌های موسسات حکومتی و به چالش کشیدن سیاست‌های ملی و بین‌المللی آن‌ها نیستند و وجود آن‌ها به معنی نهاد مخالف دولت نیست. حتی گاهی سمن‌ها مستقیماً در طراحی سیاست‌ها با دولت‌ها همکاری دارند. نقش سازمان‌های غیر دولتی فعال در بازتاب دادن واقعیت‌های اجتماعی که می‌تواند ملاکی برای برنامه‌ریزی دولت‌ها باشد، بار گرانی را از دوش دولت‌ها بر می‌دارد. سمن‌های داخلی و ملی برخی از وظایف و تکالیف دولت‌ها را در اصلاح امور و کاهش مصائب اجتماعی بر دوش می‌کشند. در عرصه بین‌المللی نیز در بحران‌های جهانی مثل آوارگی، زلزله و کمک‌های بشردوستانه، مددکار سازمان‌های جهانی بوده‌اند. NGOها در مقام مشورتی در سازمان ملل، در فعالیت‌ها و اقدامات سازمان‌های بین‌حکومتی (IGOs)، سهیم بوده‌اند. آن‌ها مرتباً به کمیسیون‌ها و کمیته‌های سازمان ملل مشورت داده و با کارگزاری‌های این سازمان در اجرای پروژه‌ها

همکاری می‌کنند و اطلاعات مورد نیاز را برای موسسات ملل متحد فراهم می‌نمایند. در گزارش هزاره دبیرکل کوفی عنان؛ بر تحکیم روابط میان سازمان و بازیگران خصوصی تاکید ورزید و افزود فرصت‌های بیشتری را به سازمان‌ها و دیگر بازیگران غیر دولتی برای مشارکت حیاتی در کار با سازمان ملل خواهد داد.

Martens, Kerstin. Examining the Non-Status of NGOs, in International Law. Indian Journal of Global Legal Studies. Volume 10, summer 2003.

تاثیر سمن‌ها بر توسعه حقوق بین‌الملل

سازمان‌های غیر دولتی در عرصه بین‌المللی در سالهای گذشته در موضوعاتی مثل رسیدگی به وضعیت آوارگان و پناهندگان، نظارت بر انتخابات، آموزش همگانی، دیده بان‌ی پایبندی دولت‌ها به تعهدات عام‌الشمول و قراردادی، حق توسعه، حقوق بشر به معنای عام، محیط زیست و حتی در عرصه مناقشات بین‌المللی چه به منظور پیش‌گیری از جنگ و چه در حین و پس از آن هم ایفای نقش کرده‌اند. بویژه در زمینه کمک‌های انسان دوستانه، و استقرار صلح، خلع سلاح و نظارت بر کنترل تسلیحات بسیار فعال بوده‌اند. گاهی با هدف پایان بخشیدن به جنگ در نقش میانجی و هدایت آن به مسیر ۲ دیپلماسی (Track 2 Diplomacy) نیز عمل کرده‌اند. (Ibid)

در میان همه این فعالیت‌ها، نقش آن‌ها در اطلاع‌رسانی نسبت به نقض تعهدات بین‌المللی و قواعد آمره و قواعد عام‌الشمول در حوزه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه پر سروصداتر و جنجالی‌تر و شاید برجسته‌تر نیز بوده است. آمارها نشان می‌دهند؛ رشد سمن‌ها هم در تعداد و هم نوع فعالیت در حقوق بشر بیش از سایر حوزه‌ها بوده است. از دهه ۱۹۵۰ تا کنون تعداد سازمان‌های غیر دولتی حقوق بشری تقریباً یک چهارم تمامی سمن‌ها بوده و این رشد به صورت تصاعدی ادامه داشته است و دامنه دیده بان‌ی و تعامل آن‌ها با سازمان‌های بین‌حکومتی گسترش فزونی یافته است. بیش از ۸۴۰ سازمان در کنفرانس حقوق بشر ۱۹۹۳ وین حضور یافتند و ۱۴۰۰ عدد آن‌ها در کنفرانس سران زمین در ریو ۱۹۹۲. (Ibid)

از زمانی که سمن‌ها چنین نقش مهمی در سیاست بین‌المللی ایفا کردند، آن‌ها موضوع پژوهش‌های مهمی از نظر حقوقی و علوم اجتماعی نیز قرار گرفتند. در حوزه حقوق؛ پژوهش‌های فراوانی مداخله و مشارکت سمن‌ها را در شکل بخشیدن و اعمال حقوق و هنجارهای بین‌المللی مورد بررسی قرار داده‌اند. بویژه برخی تحقیقات نشان دادند که سمن‌ها نقش مهمی را می‌توانند در مراحل ایجاد معیارهای نوین یا اصلاح حقوق بین‌الملل موجود مطابق با الگوهای در حال ارزیابی ایفا نمایند. بیشتر این تحقیقات نفوذ نمایندگان سمن‌ها را در ایجاد حقوق بین‌الملل در نشست‌های بین‌المللی غیر قابل انکار می‌دانند. چنین نقشی در سایر کنفرانس‌های بین‌المللی نیز ایفا شده و حاکی از موفقیت سمن‌ها در تشویق و یا منصرف کردن نمایندگان دولت‌ها در دیدگاه و تصمیم‌گیری نسبت به موضوع در دست بررسی بود. موفقیت سمن‌ها در مورد حقوق بشر در سال‌های اخیر به گونه‌ای توسعه یافته است که گزارش‌های موردی یا سالانه نهادهای مشهور بین‌المللی به مانند؛ عفو بین‌المللی، دیده بان حقوق بشر، و فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر مورد توجه فراوان جهانی و مبنایی برای تعیین یا تغییر دیدگاه بسیاری از کشورها قرار گرفته است. (Ibid) قاضی فان دن وینگاوترت در پرونده کنگو علیه بلژیک در نظریه منضم به رای موخ ۱۴ فوریه ۲۰۰۲ می‌نویسد: سازمان‌های علمی و سازمان‌های غیر دولتی مهمی در مورد موضوع مسئولیت‌پذیری بین‌المللی، مواضع روشنی اتخاذ کرده‌اند. موضع سازمان‌های غیر دولتی می‌تواند به عنوان نظریه جامعه مدنی نگریسته شود؛ نظریه‌ای که نمی‌تواند در شکل‌گیری حقوق بین‌المللی معاصر به طور کامل نادیده گرفته شود.

آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، جلد سوم. ترجمه محمدرضا ضیایی بیگدلی، دانشگاه علامه طباطبایی ۱۳۹۴ ص ۱۹۷

نقش سمن‌ها در توسعه حقوق بین‌المللی کیفری

از اواخر دهه ۱۹۹۰ استفاده از دادگاه‌ها برای پیگرد ادعاهای مربوط به نقض حقوق بشر و حقوق جنگ رشد افزونتری یافته است. تشدید این شکل از دادرسی حقوقی مصادف شد با به قدرت رسیدن سازمان‌های غیر دولتی و توسعه مفهوم صلاحیت جهانی و ابتکار

شکایت در دادگاه‌های بلژیک، انگلستان، اسپانیا، سوئیس، و ایالات متحده علیه مقامات رسمی اسرائیل به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت.

حضور غافلگیرکننده ۴۰۰۰ سازمان غیر دولتی در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۹۸ رم که برای تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تشکیل شده بود، به آن‌ها قدرتی خارق‌العاده در تأثیرگذاری بر تصمیمات دولت‌ها بخشید، به گونه‌ای که آن را نقطه عطفی در فرایند توسعه تدریجی نقش سمن‌ها در عدالت کیفری بین‌المللی ارزیابی کرده‌اند و این باور و انتظار را پدید آورده است که سمن‌ها همان گونه که در حمایت از تولد دیوان کیفری نقشی اساسی داشتند در ادامه حیات این دیوان نیز از طریق دیده بان‌ها و گزارش‌های تخلفات جنایی و نیز دفاع از قربانیان به نقش اخلاقی خود ادامه دهند.

role-of-ngos-in-international-criminal-justice-FICHL.)

. (www.ficnl.org/activitis/the-evolving-

کوفی عنان نقش ویژه سمن‌ها در تصویب اساسنامه رم مربوط به تاسیس دیوان کیفری بین‌المللی و پیمان مبارزه با مین‌های ضد نفر را مورد تأکید و ستایش قرار داد.

تأثیر فعالیت آنان به یک هم‌افزایی از طریق ایجاد ائتلاف بین‌المللی سمن‌ها در مورد بی‌کیفری ناقضان حقوق بشر در ۱۹۸۷ کمک کرد. نمایندگان چندین سازمان، بحث بر سر نگرانی عمیق نسبت به اقدام رو به توسعه‌ی اعطای بخشودگی (بی‌کیفری) از راه‌های مختلف به نیروهای نظامی و امنیتی که نقض گسترده حقوق بشر را که اغلب علیه هم‌میهمان خود مرتکب شده بودند، اعلام کردند و تصمیم گرفتند که برای رسیدن به اهدافی به مانند تقویت و توسعه حقوق بین‌الملل با هدف مقابله با گسترش روند معافیت از مجازات که زمینه‌های بی‌کیفری را از میان خواهد برد، با یکدیگر همکاری کنند.

<http://www.gstor.org/stable/29766451>

سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند از ترویج فرهنگ بی‌کیفرمانی (Culture of Impunity) در جامعه ممانعت به عمل آورند. فرهنگ بی‌کیفری به موقعیتی اشاره دارد که در آن افراد جامعه به این باور رسیده‌اند که آن‌ها هرکاری می‌توانند انجام دهند بدون آن که با تبعات قانونی و کیفری آن روبرو شوند. در مفهوم ژنوساید به این معناست که فرهنگ کشور به

گونه‌ای بوده است که مردم به معنای واقعی کلمه احساس کردند آن‌ها می‌توانند به هر کاری که دلخواه آنان است دست بزنند بدون آن که به کسی پاسخ گو باشند. این مفهوم در نقطه مقابل ایده حکومت قانون قرار دارد. حکومت قانون به این معناست که تمامی مردم می‌توانند تنبیه شوند اگر قانون را نقض کنند. در این صورت هیچ معافیتی از مجازات تحت حاکمیت قانون برای هیچ کس وجود ندارد. (www.enotes.com)

یکی از سازمان‌هایی که منحصر بر روی منع بی‌کیفری تمرکز کرده سازمان غیر انتفاعی و غیر دولتی دیده‌بان بی‌کیفری *Impunity Watch* است که در تلاش برای ترویج پاسخگویی در مورد فجایع در کشورهایی که از خشونت ناشی شده‌اند با جوامع مدنی همکاری می‌کند. *Impunity watch.com*

برای نخستین سالروز (۲۳ می ۲۰۱۶) اعلام روز اروپایی مبارزه با بی‌کیفری، ائتلافی از سمن‌ها در یک بیانیه مشترک از دولت‌های عضو اتحاد اروپا خواستند تعهد قویتری در مورد یافتن ساز و کارهای موثری برای اجرای عدالت بین‌المللی داشته باشند. با توجه به ظرفیت محدود دیوان‌های بین‌المللی در مقابله با بی‌کیفری، سازمان‌ها به دولت‌ها توصیه کردند که قوانین لازم و همچنین نهادهای حقوقی ویژه جهت رسیدگی به جنایات جنگی را ایجاد و از آن‌ها حمایت مالی و سیاسی نمایند. یکی از راه کارهای پیشنهادی آنان پیگرد مجرمان در کشور سوم است. در دهه‌های گذشته کشورهای اروپایی پیگرد آمران و مرتکبان جنایات و خیم را تحت اصول صلاحیت جهانی (Universal Jurisdiction) دولت‌ها معمولاً صلاحیت رسیدگی به جنایاتی را که در قلمرو آن‌ها و یا توسط اتباع آنها و یا علیه اتباع آن‌ها اتفاق افتاده باشد، دارند. ماهیت جنایات بین‌المللی به قدری خطرناک است که آن را جنایت علیه تمامی انسان‌ها تلقی می‌کنند و به همین دلیل نیازمند همکاری بین‌المللی و اقدامات تضمین شده‌ای هستند. بنا بر این اصول صلاحیت جهانی بر این مبنا استوار است که جنگ علیه بی‌کیفری محدود به مرز نیست. بر این اساس، دولت‌ها این اختیار و گاهی تعهد را دارند که جنایتکارانی را که در قلمرو آن‌ها هستند صرف نظر از این که جنایت را کجا انجام داده و یا قربانیان دارای چه تابعیتی باشند را تحت پیگرد قرار دهند) آغاز کردند اما بر اثر فشار دیپلماتیک کشورهای قدرتمند از اقدام بیشتر خودداری نمودند.

<http://trailinternational.org>

سابقه اعمال صلاحیت جهانی در دهه‌های گذشته را در چند مورد می‌توان اشاره کرد که اغلب به اسپانیا و بلژیک متعلق‌اند.

- ✓ در خواست اسپانیا از بریتانیا برای تحویل آگوستو پینوشه دیکتاتور شیلیایی در هنگامی که برای معالجه در لندن به سر می‌برد،
- ✓ پیگرد قانونی چوکیه تایلور فرزند رییس جمهور سابق لیبریا توسط ایالات متحده،
- ✓ پیگرد مقامات رسمی دولت گواتمالا که در نسل کشی این کشور دست داشتند توسط اسپانیا،

- ✓ پیگرد مقامات رسمی دولت ال سالوادور برای قتل شش کشیش توسط اسپانیا،
- ✓ پیگرد مقام نیروی دریایی آرژانتین به اتهام جنایت علیه بشریت در خلال جنگ ناپاک (حکومت نظامی آرژانتین در خلال فرمانروایی از ۱۹۷۶ تا ۸۳ برآورد شده که بین ۱۰ تا ۳۰ هزار مخالفان چپ خود را یا کشته و یا نا پدید کرده است).

- ✓ پیگرد وزیر امور خارجه کنگو توسط بلژیک و صدور قرار بازداشت وی در ۱۱ آوریل ۲۰۰۰ به اتهام نقض فاحش عهدنامه‌های ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل‌های الحاقی منضم به آن و ارتکاب به جنایت علیه بشریت در جنگ داخلی.

این موارد نشان می‌دهد که دادگاه اسپانیا از صلاحیت جهانی علیه افراد در سراسر جهان استفاده کرده است. اما اخیراً دولت اسپانیا توانایی دادگاه‌های خود را برای دادرسی موارد مشابه بوسیله محدود کردن مبانی قانونی استفاده از صلاحیت جهانی کاهش داده است. این محدودیت شامل موارد زیر نمی‌شود؛ هنگامی که پرونده در دست بررسی مقامات صلاحیت دار قضایی دیگری نباشد، و پرونده‌هایی که قربانی آن تبعه اسپانیا باشد، مرتکبان جنایت در اسپانیا اقامت داشته باشند، و یا این که منافع اسپانیا را تحت تاثیر قرار دهد. www.ijrcenter.org

واکنش دولت‌ها و سازمان‌های مردم نهاد نسبت به؛ بی‌کیفری در سرزمین‌های اشغالی اعمال صلاحیت جهانی در مورد کشتار فلسطینیان توسط اسرائیل نخستین بار توسط دادگاه کیفری بلژیک به آزمایش گذاشته شد و آن هنگامی بود که؛ در ۱۸ ژوئن ۲۰۰۱، ۲۳ تن از بازماندگان کشتار ۹۰۰ فلسطینی ساکن در اردوگاه‌های پناهندگان صبرا و شتیلا هنگام

حمله به لبنان در سپتامبر ۱۹۸۲ به استناد قانون صلاحیت جهانی بلژیک دادخواستی به دادگاه این کشور تسلیم کردند که در آن تقاضای محاکمه آریل شارون وزیر دفاع پیشین و نخست وزیر وقت، و آموس یارون، فرمانده وقت نیروهای اسرائیل و سایر مقامات نظامی اسرائیل و اعضای حزب فالانژ لبنان به اتهام جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و ژنوساید شده بود. استناد شاکیان به قانون ۱۹۹۳ بلژیک در مورد رسیدگی به جنایات جنگی مرتکبان، صرف نظر از تابعیت آنان و مکان ارتکاب بر اساس تعهدات دولت نسبت به کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو شده بود. این قانون در ۱۹۹۹ دامنه صلاحیت دادگاه‌های بلژیک را به رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر، ژنوساید و جنایت علیه بشریت نیز گسترش داده بود. (Rence.com) در ژوئیه ۲۰۰۱ قاضی دادگاه تحقیق و تفحص رسیدگی به پرونده، تحقیقات جنایی در مورد کشتار ۱۹۸۲ را آغاز کرد. پس از آن که وکیل دولت اسرائیل اعلام کرد که شارون از مصونیت از تعقیب قوانین بلژیک برخوردار است و نیز پیگرد وی مغایر با اصلی است که هیچ فردی را نباید به یک اتهام دو بار محاکمه کرد (ne bis in idem) (پیش از این در ۱۹۸۳ هیات تحقیق دولت اسرائیل شارون وزیر وقت دفاع را بطور غیر مستقیم مسئول کشتار صدها مرد، زن و کودک فلسطینی در اردوگاه پناهندگان در لبنان شناخته بود) و این که قانونگذاری بلژیک اصل عطف به ماسبق نشدن قانون در حقوق کیفری را نقض کرده است و همچنین هیچ پیوندی میان متهم با دولت بلژیک وجود ندارد، دادگاه رسیدگی به موضوع را در ۷ سپتامبر ۲۰۰۱ به حالت تعلیق در آورد. (Global Policy Forum)

پی‌گیری محاکمه پس از فشارهای دیپلماتیک کشورهای دیگر از جمله امریکا که سه مقام دولتی آن از جمله جورج بوش، وکالین پاول وزیر امور خارجه نیز تحت پیگرد دادگاه بلژیک قرار گرفته بودند، با یک رای پارلمان بلژیک که اختیار قاضی را محدود به شرایطی از جمله اقامت شاکی در بلژیک از ۳ سال قبل از طرح دعوی کرده بود متفی کرد. (Guardian, April 3, 2003)

اجلاس دوربان یکی از نقاط قوت مبارزه سازمان‌های محلی فلسطینی و بین‌المللی در مورد بی‌کیفری در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بود. تلاش سمن‌های بین‌المللی و فلسطینی در موارد نقض حقوق و قواعد بین‌المللی در نبردهای فلسطینیان - اسرائیل در ابعاد مختلف

واکاوی شده و مورد بحث در گردهماییهای بسیار قرار گرفته است. اما تعامل میان این دو، که برای اقدام موثر حیاتی است، اغلب تحت تاثیر تقسیم سمن ها میان جوامع شمال-جنوب به گونه ای ناموفق بوده است. یکی از استثناهای بارز همکاری و اقدام سمن ها در کنفرانس جهانی دوربان ۱ بود، در جایی که سمن های جنوب بوسیله سازمان های مردمی تهییج شدند و هر دو برنامه ی عملی را طراحی و هدایت کردند که نتایجی برجسته برای روشن ساختن برخی ابهامات در مورد جنگ فلسطین-اسرائیل به بار آورد. افزون بر این گردهمایی سمن ها در دوربان می تواند بعنوان نقطه عطفی در تاریخ جنبش های حقوق بشری جهان ارزیابی شود، نه به دلیل پیروزی یکی از قربانیان بلند مدت استعمار، و نه به سبب جبران خسارت بردگی که در برنامه معرفی شده بود، بلکه به خاطر نقش دولت های جنوب در رویدادهای این جهان که تحت الشعاع سمن های شمال و بین المللی قرار گرفته بودند. با این وجود، سمن های جنوب نباید از این موقعیت خرسند باشند؛ پیروزی آن ها بیش از آن که استراتژیک باشد اخلاقی است. تقسیم عملی آن ها محدود است و متکی به توانایی سمن های جنوب به دنبال کردن و گسترش دادن بحث و گفت و گوی آن ها. کنفرانس جهانی مقابله با نژادپرستی، تبعیض نژادی و بیگانه هراسی و نابردباری نسبت به آن ها، که از ۳۱ اوت تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۱ در دوربان برگزار شد اعلامیه ای در ۱۲۲ بند با اجماع به تصویب رساند که چارچوبی را برای دولت ها، سمن ها و سایر موسسات بین المللی فعال تعیین کرد. بند ۶۳ به صراحت به گرفتاری مردم فلسطین تحت اشغالگری خارجی پرداخته و حق غیر قابل انکار مردم فلسطین برای تعیین آینده خود و نیز تشکیل دولت مستقل را مورد تاکید قرار داده است و حق تمامی دولت های منطقه از جمله اسرائیل را برای برخورداری از امنیت برسمیت شناخته و از تمامی دولت ها خواستار حمایت از روند صلح شده است. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اعلامیه ای نهایی نیز که توسط ۳۷۵۰ سازمان غیر دولتی تصویب شد حائز این اهمیت بود که زبان نوینی را برای قربانیان، و رای معیارهای بوروکراتیک حقوقی که سمن های بین المللی معمولا پشت آن پنهان هستند، گشود. سه اتفاق بسیار مهم در اجلاس رخ داد که در اعلامیه نهایی NGOs بازتاب یافت؛ یکی این بود که مدل تبعیض نژادی سیاست

استعماری اسرائیل را نشان داد. این شگفت آور نیست که سازمان‌های افریقای جنوبی قویا از فلسطین حمایت کنند، زیرا نمایندگان شبکه سمن‌های افریقای جنوبی فلسطین را در خلال انتفاضه دیده بودند و مستقیماً دیدند که چگونه در مذاکرات اسلو، خارج از قلمرو فلسطین یک Bantustan (منطقه‌ای نسبتاً خود مختار اختصاص یافته به آفریقائیان بومی در دوران آپارتاید که آن‌ها را از سفید پوستان جدا می‌کرد) منطقه سیاه پوست نشین) ایجاد شد. در کنفرانس اعلام شد اسرائیل یک دولت آپارتاید نژاد پرست است و عناصر سازنده برند اسرائیلی آپارتاید مانند جدا سازی و تفکیک، پاکسازی قومی، سلب مالکیت، ممنوعیت دسترسی به سرزمین، هویت زدایی از ملت، جداسازی جمعیتی و دیگر اقدامات غیر انسانی از جنایت علیه بشریت شکل گرفته است. دوم این که در نتیجه برنامه اقدام، کنفرانس خواستار سامان دهی جنبش بین‌المللی ضد آپارتاید اسرائیلی شبیه آنچه که برای افریقای جنوبی تشکیل شد گردید که یک شبکه کمپین همبستگی جهانی از جوامع مدنی و کارگزاری‌های ملل متحد و سازمان‌های تجاری برای پایان دادن به توطئه سکوت میان دولت‌ها بویژه اتحادیه اروپا و ایالات متحده ایجاد کرد. سوم این بود که از جامعه بین‌المللی خواست یک سیاست انزوای کامل را در مورد اسرائیل به عنوان یک دولت آپارتاید شبیه آنچه که در مورد افریقای جنوبی اعمال شد تکرار کنند. به این معنا که تحریم اجباری و جامع را تحمیل نمایند و روابط دیپلماتیک، اقتصادی، اجتماعی، کمک‌ها و همکاری‌های نظامی و آموزشی میان همه دولت‌ها و اسرائیل را متوقف سازند.

Sari Hanafi, The Role of NGOs: Scream If you want to be heard. Palestine-Israel Journal, Vol.11 No.2 2004 www.un.org/WCAR/durban.pdf

افزون بر درخواست‌های فوق سازمان‌های غیر دولتی خواهان محکومیت دولت‌هایی شدند که با حمایت و کمک‌های خود شریک جرم دولت آپارتاید اسرائیل و ارتکاب جنایات نژادی بر ضد بشریت شامل پاکسازی قومی و اقدامات تحت لوای ژنوساید هستند.

www.ngo-monitor.org/reports/ngo_forum_at_durban_conference/

در مراسم پانزدهمین مجمع حقوق بشر اتحادیه اروپا با NGOها در دسامبر ۲۰۱۳، شبکه اروپا-مدیترانه‌ای حقوق بشر از اتحادیه خواست نسبت به پایان بخشیدن به بی‌کیفیری در

نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط اسرائیل علیه فلسطینیان ساکن در سرزمین‌های اشغالی فلسطین واکنش نشان دهد. این اجلاس همزمان شده بود با بزرگداشت نخستین سالگرد عملیات نظامی اسرائیل با عنوان ستون دفاع (Pillar of Defense) یا ستون ابر (Pillar of Claud) (نوامبر ۲۰۱۲) و پنجمین سالروز عملیات موسوم به سرب گداخته (Cast Lead) (دسامبر ۲۰۰۸ تا ژانویه ۲۰۰۹) که در آن ۱۰۷۹ نفر کشته و هزاران نفر مجروح شدند. در پایان سال ۲۰۱۳ اسرائیل تحقیق در باره رهبری نیروهایش در غزه و ارتکاب جنایات جنگی در این عملیات را در یک شبهه دادگاه داخلی آغاز کرد که در نتیجه تنها ۳ کیفرخواست علیه سربازان اسرائیلی در رابطه با عملیات کست لید پر شده است. ۲ سرباز محکوم شده بودند به ۲ ماه حبس به اتهام این که از یک پسر ۹ ساله به عنوان سپر انسانی استفاده کرده بودند و سرباز سوم که به خاطر دزدیدن یک کارت اعتباری محاکمه شده بود بطور تناقض آمیزی محکوم به هفت ماه و نیم زندان شد. علیرغم تسلیم ۲۴۶ شکایت که به وزارت دفاع و ۷۹ شکایت به دادستانی نظامی اسرائیل توسط مرکز حقوق بشر فلسطین، برای عملیات ستون دفاع هیچ کیفرخواستی تهیه نشد.

Israel's Culture of Impunity: Nothing Less Than Accountability! www.euromedrights.org/.../Israel-culture-of-impunity

مجمع حقوق بشر اتحادیه و سمن‌ها در حقوق بشر، کنفرانس سالانه ایست که موسسات اروپایی و دولت‌ها با جامعه مدنی تعامل، مشورت و گفت و گو می‌کنند که چگونه حقوق بشر را ترویج و حمایت کنند. بعد از سالها تحت الشعاع قرار گرفتن زیر تم جنگ علیه بی‌کیفری، اتحادیه پذیرفته است که با تدوین استراتژی‌هایی چرخه بی‌کیفری در موارد نقض فاحش حقوق بشر با یک تمرکز ویژه بر روی دستیابی به عدالت و جبران خسارات قربانیان را متوقف کند. بنا بر این مجمع از اتحادیه خواست که موارد زیر را به اجرا بگذارد:

- مصرانه از اسرائیل بخواهند در برابر نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی توسط ارتش در سرزمین‌های اشغالی فلسطینیان (Occupied Palestinian Territory) OPT با هدایت تحقیقات در مورد نقض‌های ادعا شده برابر با معیارهای بین‌المللی پاسخگو باشد و مسئولان را تعقیب و مجازات کند،

- دولت اسرائیل را وادار نمایند که توصیه‌های ارائه شده از سوی کمیسیون بررسی نقض حقوق مخاصمات مسلحانه در حادثه دریایی ۳۱ می ۲۰۱۰ که به Commission Turkel معروف است را اجرا و برنامه‌ای زمان بندی شده‌ای روشن و برای اجرا ارائه و اطمینان دهد که قربانیان فلسطینی دسترسی مناسب به دادگاه‌های اسرائیل و جبران مناسب داشته باشند. (در ۳۰ ماه می ۲۰۱۰ تعداد ۶ کشتی غیرنظامی موسوم به "ناو گروه آزادی غزه" از جمله کشتی ترکیه‌ای «ماوی مرمه» حاوی ۱۰ هزار تن کمک‌های انساندوستانه سازمان‌های غیر دولتی متشکل از ۵۰ کشور، که معترض به محاصره غزه و با هدف شکستن حصر به سمت غزه رفته بودند، در آب‌های بین‌المللی شرق مدیترانه و در ۷۸ مایلی ساحل غزه مورد حمله کماندوهای ارتش اسرائیل قرار گرفتند که در آن ۹ فعال مدنی شهروند ترکیه کشته و تعدادی از اتباع سایر کشورها مجروح شدند. The guardian 31 may 2010
- روابط خود با اسرائیل را مشروط به احترام به حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر بین‌المللی IHRl کنند.

دستاورد

بر اساس فرضیات و اطلاعاتی که در این یادداشت آمد، می‌توان از تحول گسترده و رو به پیشرفتی؛ هم در نقش سازمان‌های غیردولتی نسبت به مسئولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌اند و هم از رویکرد امید آفرین جهانی به توسعه حقوق کیفری بین‌المللی سخن گفت. توجه شورای امنیت به تاسیس دادگاه‌های ویژه رسیدگی به نقض قواعد آمره، حقوق عرفی بین‌المللی و قراردادهای، که در اوج خود به تدوین اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و تصویب آن با حمایت گسترده سازمان‌های غیر دولتی و رسانه‌های حقوق بشری منجر شد، دست آوردهای امیدبخشی برای ایجاد ضمانت اجرای حقوق کیفری داشته است. نتیجه مشارکت سمن‌ها در این فرایند بود که مسئله فلسطین و جنایات ارتكابی در سرزمین‌های اشغالی از میدان سیاست‌بازی قدرت‌های حامی اسرائیل خارج شد و به عرصه‌های فعالیت‌های اجتماعی و مبارزات مردمی در سراسر جهان کشیده شد. نقطه روشن و امیدوارکننده مسئولیتی است که سمن‌ها در ترویج مبارزه با فرهنگ بی‌کیفری بر عهده گرفته‌اند.

دریافتیم که فرهنگ بی‌کیفیری در مورد فلسطینیان که ناشی از تکرار عادت سیاسی و نظامی و روانی نیروهای نظامی اسرائیل بوده و از طریق خشونت نسبت به مردمان ساحل غربی و غزه و حمله به شهروندان فلسطینی در سرتاسر سرزمین‌های اشغالی و مصادره اموال آنان و شکنجه فلسطینی‌های زندانی اعمال می‌شود، افزایش یافته است. این در حالی است که قربانیان فلسطینی به خاطر موانعی در زمینه‌های حقوقی، اداری و مالی که اسرائیل تحمیل کرده است به دادگاه‌های اسرائیل برای طرح دعوا نسبت به این جرایم و جبران خسارات وارده دسترسی ندارند. علیرغم تعهداتی که کشورهای اروپایی نسبت به ترویج احترام به حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و حکومت قانون بر عهده گرفته‌اند، از بیان موثر این اتفاقات در روابط دوجانبه و جلسات مهم سازمان ملل کوتاهی کرده‌اند.

سال‌هاست جنبه‌های مختلف اشغال سرزمین‌ها و آنچه که بر فلسطینیان می‌رود تحت تاثیر اتفاقات داخلی و بین‌المللی و در وسعت تبلیغاتی که اسرائیل برای توجیه رفتارهای خود و اقتداری که در رسانه‌ها دارد، و همچنین ناهماهنگی میان حامیان فلسطینیان، بیش از حد سیاست زده شده است. در این فضا تنها دولت‌ها هستند که ایفای نقش می‌کنند. شورای امنیت هم به جز در موارد استثنایی همواره اقدامات جدی در مورد متوقف کردن رفتارهای غیر قانونی اسرائیل را با استفاده اعضای دائمی از حق وتو عقیم گذاشته است. در چنین موقعیتی به نظر می‌رسد تقویت جنبه‌های حقوقی بتواند به کاهش سیاست زدگی از موضوع فلسطین کمک کرده و در نتیجه نقش بازیگران غیردولتی را در بیان شفاف و درست وقایع تقویت نماید. در این راه تنها مفری که می‌تواند به فلسطینیان در بی‌کیفیری جنایاتی که علیه آنان انجام می‌شود یاری رساند، درگیر کردن نهادهای مردمی بین‌المللی معتبر در اطلاع رسانی و کمپین‌های چند ملیتی است. با وجود نقاط قوتی که در تلاش سمن‌ها بیان شد و اجلاس دوربان و تلاش برای شکستن حصر غزه از نمونه‌های آن بود، باور بر این است که غیر از مبارزات نظامی و مقاومت‌هایی از نوع انتفاضه، موضوع فلسطین و بی‌کیفیری در اسرائیل به همکاری گسترده‌تر نهادهای مردمی فلسطینی و بین‌المللی نیاز بیشتری دارد. شاید فشار افکار عمومی به بی‌کیفیری در فلسطین و دیگر نقاط جهان پایان بخشد. ۱۳۹۵/۹/۱۸